



۲۰۱۳/۱۱/۰۱



رحمت آریا

## کرااله خونین تا هنوز فریاد میزند

جناب امان الله عمر

متقابلاً سلام و احترام مرا بپذیرید. تشکر از ابراز نظر و نیز سپاس از داستان غم انگیز کرااله

کرااله نامش را در کتیبه سنگی قرن دوم قبل از میلاد امپراتور موریآ آشوکای سترگ بشکل کرااله پوترا یا فرزند کرااله می یابد و نام یکی از ایالات ساحلی در جنوب شرق هندوستان و نام قصبه ایست در کنار اسعد آباد زادگاه سید جمال الدین افغان مرکز ولایت کنر. درختهای لیمو، نارنج، مالته و مزارع برنج و گشنیز رایحه معطر خویشرا بر آبهای دریای دره پیچ میریزند و نسیم کوهستانی نورستان از شمال بر طراوت فضای آن می افزاید. علی الوصف، کرااله صفحه خونینی از تاریخ ناگفته بما دارد که با صبحدم روز پانزدهم حوت سال ۱۳۵۷ش (۶ اپریل سال ۱۹۷۹م) آغاز میشود.

عمر رژیم مارکسیست لیننیست کابل هنوز یکسالش را پوره نکرده بود که همه اکناف ولایت در تحصن نیروهای خود جوش مردمی بر علیه رژیم درآمده بود. کرااله نزدیک ترین نقطه تهدید به مرکز ولایت کنر مامن پنجهزار قصبه نشین بیدفاع بود. یکروز قبل یعنی دوشنبه کرااله شاهد شدید ترین و خونبار ترین جنگ میان نیروهای دولتی و مجاهدین آن وقت بود. تلفات نیروهای دولتی بیشتر از تلفات نیروهای مجاهدین بود. مجاهدین با این پیشرفت شان مرکز ولایت را در معرض تهدید قرار دادند. در دامنه کوهپایه های هندوکش، کرااله کوهستانی از لحاظ ارضی موقعیت ستراتیژیک در برابر مرکز دارد. دریای دره پیچ یکی از شاخه های دریای خروشان کنر از جوار همین قریه بزرگ میگردد و یگانه پل وسیله اتصال آن با سرک های موثر رو است.

این روز، آفتاب همان گرمی معمولش را نداشت. جلای کمرنگ آفتاب آن نور خسروانه را نداشت و هندوکش مغرور اندوهگینانه ایستاده بود. در افق، ابرهای سترون سیاه آبتن پیام شوم و شرارت بود و با بی زبانی اش نمی توانست حرف بزند. در آسمان اثری از رعد نبود تا در بطن دره های صعب العبور کنر طنین افکند. تو گویی همه جا را سکوت مرگبار فراگرفته بود. کسی نمیدانست که چند لحظه بعد کرااله ۱۱۷۰ تن مردش اعم از کودک، جوان و سالمند و مریض را از دست میدهد.

شب پانزدهم حوت سال ۱۳۵۷ش بود که قوای بزرگ مجاهدین کنر از شرق شهر اسعد آباد از مجرای عبوری کرااله بالای مرکز حمله آور شدند، بسیاری نقاط حومه شهر را در تصرف آوردند دیگر اسعد آباد در معرض سقوط حتمی قرار داشت. والی ولایت کنر " پگروال شهنواز شیوانی" که از اهالی پکتیا بود با جمعی از اراکین حزبی و دولتی مقام ولایت از مرکز خواهان نیروی تازه دم شد. کابل نیروی ۴۴۴ کوماندو را به قوماندو صادق عالمیار و یک قطعه دیگر را از فرقه یازدهم ننگرهار بخاطر تقویب دفاعی مرکز ولایت فرستاد. (۱)

بعد شبی که فردایش دوشنبه پانزدهم ماه حوت سال ۱۳۵۷ بود که حدود ۱۱۰ تن از مجاهدین در حوالی دو بجه شب میخواستند از مجرای کرااله بالای مرکز ولایت ضربه وارد نمایند. این حمله هرگز عملی نشد. از میان این ۱۱۰ تن تنها ۳۲ تن شان شاید گروپ کشف توانستند وارد کرااله شوند، آنها برای لحظات کوتاه به خانه های محقر و گلین قریه پناه برده مگر در اسرع وقت کرااله را پشت سر گذاشتند. با دمیدن اولین طلیعه آفتاب کمرنگ جنگ شدیدی میان نیروهای دولتی و مجاهدین به وقوع پیوست.

گزارش منابع غربی :

<sup>۱</sup> - [http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha\\_PDF/kazem\\_sa\\_dar\\_barae-qatle\\_aam\\_kerala.pdf](http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/kazem_sa_dar_barae-qatle_aam_kerala.pdf)

داکتر سید عبدالله کاظم " در باره قتل عام کرااله در کنر ۱۵ حوت سال ۱۳۵۷ مطابق ۶ مارچ ۱۹۷۹"

تلفات شدیدی به هر دو طرف وارد آمد و همه ۷۰ تن اعضای ملکی ولی مسلح خلقی کشته شدند. قوماندۀ نیروهای مجاهدین را شخصی بنام مرزا علی بدوش داشت. موصوف می گوید " تلفات نیرو های دولتی و مجاهدین خیلی زیاد بود. از میان ما تنها چهار نفر زنده مانده بود. ما در یک مزرعه پنهان شده بودیم. هر وجب را مرده گرفته بود. یکی از عساکر دولتی دید که ما زنده هستیم. وی که شخص مسلمان معلوم میشد گفت بزمین بیافتید که کسی نفهمد که شما زنده اید. (۲)"

لطیف یکی از زنده مانده ها به خبرنگار کرسچن ساینس مانیفور گفت " حدود ۲۰۰ تن از عساکر و افراد پولیس به همراهی بیست تن از مشاورین روسی همه افراد ذکور این قریه را بوسیله تفنگهای اتوماتیک به قتل رساندند. (۳)" " شاهدان عینی می گویند که عساکر دولتی قصبه نشینان را متمم به همکاری با آنعده مجاهدینی کردند که در دامنه جنگل های کوهی پوشیده با درختان صنوبر پناه جسته اند. امر آتش را یکی از افسران نظامی شوروی داد که چشمان سبز و مو های طلایی مایل به کبودی و لباس نظامی افغانی بدون نشان و پلیت به تن داشت." کرسچن ساینس مانیفور وقوع این حادثه را بیستم اپریل سال ۱۹۷۹ مصادف با سی و یکم حمل سال ۱۳۵۸ش از قول شاهدان عینی قید کرده است که شاید در تبدیلی آن دچار اشتباه شده باشد. از اینکه مقاله جناب داکتر صاحب سید عبدالله کاظم به اساس راپور " پروژه عدالت برای افغانستان" تهیه شده است شاید دقیق ترین تاریخ باشد.

روزنامه متذکره می افزاید: " به تاریخ ۲۰ اپریل سال ۱۹۷۹م تقریباً ۱۱۷۰ تن ذکور قریه کراهه بشمول کودکان بخون غلتیدند و این اولین گزارش قتل دسته جمعی نیرو های افغان در یک انتقام گیری نظامیان در برابر افراد ملکی افغانستان پنداشته میشود. این منطقه از آغاز رژیم کمونیستی تا کنون شاهد جنگهای شدید میان نظامیان و مجاهدین بوده است. (۴)" دنباله دقیق این فاجعه را در مقاله داکتر صاحب سید عبدالله کاظم تعقیب نمائید که شرح آن با ذکر اشخاص درگیر درین فاجعه انعکاس مزید یافته است.

هموطن عزیزم جناب امان الله عمر!

دامنه شرح غم انگیز و جب و جب سرزمین من و تو که هر قدمش به خون فرزندان راستین آن رنگین است به قول معروف «دل و گرده» و گوش شنوا میخواهد. در هر قدمی که تو بالای این خاک مرد خیز بر می داری متوجه باش که هر ذره آن راوی حکایات نشنیده ایست که تا هنوز در بستر زمان همچنان با خفتگان غرقه در خون آن با بی زبانی خوابیده اند. این وظیفه من و توست که آن ناگفته ها را جمع و نگذاریم برف خطا کار نسیان روی آن یادداشتها بیارد. مستند سازی جنایات از همان روز آغاز کودتای ۱۹۷۸ تا کنون پروسه ایست نهایت پیچیده و وقت گیر. من بدون همکاری خودت، بدون همکاری ورثه آن شهدا و منابع با اعتبار کاری کرده نمی توانم. ازین طریق پیشنهاد می نمایم:

۱- آنعده هموطنان بخصوص ورثه شهدای کراهه که این سطور را مطالعه می نمایند لست مکمل شهداء را ترتیب کنند، این وابسته به خبرنگاران شرق کشور بخصوص در لغمان، ننگرهار و کنر است که زحمت سفر کراهه را به عهده گرفته و خانه به خانه رفته و شهرت مکمله شهدای این حادثه را تهیه کنند و یک فورمه تهیه شود که در برگیرنده این مختصات باشد: اسم، ولد، حتی ولدیت، تاریخ تولد و یا میعاد عمریکه که شهید داشت، شغل، محل سکونت و تصویر شهید و تصدیق بزرگان محل با شصت یا امضای شان.

بعد از وصول این لست مکمل می توان از آن یک دیتا بیس مشخص ساخت و آن را ضم پروسه مستند سازی جنایات نمود.

۲- از آنانیکه شرح شما را پیرامون آنچه در محوطه فرقه یازده ننگرهار پیوسته خوانده اند و شاهدان عینی آن خاطرات خونین اند خواهش میشود تا عین یک فورمه را با مشخصات ذکر شده ترتیب و تا حد توان خانه پری نمایند.

۳- آنعده هموطنانیکه زنده اند و خاطرات این حادثه را بیاد دارند باید خاطرات شانرا با من و یا شما شریک سازند

تشکر از شما

۲- <http://news.google.com/newspapers?nid=۱۹۷۹&dat=۱۹۸۰۰۲۱۰&id=MIQIAAAAIBAJ&sjid=۰qkFAAAAIBAJ&pg=۴۱۳۱,۶۰۸۶۶۰>

سال نشر پانزدهم فیروزی سال ۱۹۸۰

۳- <http://www.csmonitor.com/۱۹۸۰/۰۲۰۴/۰۲۰۴۳۴.html>

سال نشر چهارم فیروزی سال ۱۹۸۰

۴- همانجا

د پاپو شمیره: له ۲ تر ۳

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

---

د پاڼو شميره: له ۳ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همكاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه كړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
يادونه: دليكني د ليكنيزي بني پازوالي د ليكوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليكنه له راليرلو مخكي په خير و لولئ